



قاسم اخوان نوی: هستی‌شناسی محور اصلی فلسفه اسلامی است

فلسفه، علم به احکام وجود است از آن جهت که وجود دارند نه از آن جهت که شکل خاصی دارند. هر علمی مبحث خاص خود را دارد و از شکل خاصی از وجود بحث می‌کند، اما فلسفه این‌گونه نیست و شکل موجود برایش اهمیتی ندارد بلکه درخصوص خود وجود بحث می‌کند.

فلسفه، علم به احکام وجود است از آن جهت که وجود دارند نه از آن جهت که شکل خاصی دارند. هر علمی مبحث خاص خود را دارد و از شکل خاصی از وجود بحث می‌کند، اما فلسفه این‌گونه نیست و شکل موجود برایش اهمیتی ندارد بلکه درخصوص خود وجود بحث می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، «هستی‌شناسی» نام کتابی است که توسط قاسم اخوان نبوی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تألیف و منتشر شده است. مباحث هستی‌شناسی محور اصلی مباحث فلسفی در فلسفه اسلامی می‌باشد و بخش عمده‌ای از مباحث فلسفی که از آن به الهیات به معنی الاعم تعبیر می‌شود در حول این محور است و مباحثی از قبیل: مفهوم وجود و تقسیمات و احکام وجود را در بر می‌گیرد. انتشار این کتاب بهانه‌ای شد تا با وی بیشتر در این خصوص صحبت کنیم.

چگونه وارد این حوزه به‌خصوص تألیف کتاب شدید؟

علاقه‌ام به مباحث فلسفی موجب شد که با آراء و اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان آشنا شوم؛ به‌خصوص که ابتدای آشنایی بنده با این مباحث با مطالعه آثار شهید مطهری(ره) و سپس علامه طباطبایی(ره) آغاز گردید و کم‌کم با اندیشه‌های سایر فلاسفه مسلمان بیشتر آشنا شدم. در آثار این دو بزرگوار اشاره‌ای به تأثیر متون دینی (قرآن و روایات) بر تفکر فلاسفه اسلامی شده بود. به عنوان مثال شهید مطهری در آثاری مانند سیری در نهج‌البلاغه یا در اصول فلسفه و روش رئالیسم به این مسئله اشاره می‌کند و هم‌چنین وقتی به آثار ملاصدرا مراجعه می‌کنیم دیده می‌شود که ایشان ضمن طرح مباحث فلسفی به آیات و روایات نیز استشهاد می‌کند این مباحث زمینه‌ای شد برای طرح این مسئله که چگونه می‌توان مباحث هستی‌شناسی را از آیات و روایات استنباط کرد. اگرچه برخی از اساتید بر این باور هستند که مباحث عقلی و فلسفی در حقیقت مفسر آن دسته از آیات و روایاتی هستند که درباره جهان آفرینش سخن می‌گویند. علاوه بر علایق شخصی، این موضوع از جمله موضوعاتی بود که در گروه فلسفه پژوهشگاه مطرح بود و این امر زمینه‌ای شد تا این طرح انجام پذیرد.

کتاب هستی‌شناسی بر اساس استنباط از متون دینی به تازگی وارد بازار شده است از مشخصات و ویژگی‌های این کتاب بگویید؟

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد مباحث هستی‌شناسی، محور اصلی مسائل فلسفه اسلامی را تشکیل می‌دهند و مباحث فلسفی بر این اصل تقسیم می‌شود. یک دسته از مسائل به بحث از اقسام وجود می‌پردازد، به عنوان مثال وجود تقسیم به مستقل و رابط می‌شود یا به واجب و ممکن؛ یا به حادث و قدیم، یا به علت و معلول و... . تقسیمات دیگری که بسیار مفصل است و جای بحث از آنها در اینجا نیست. یک دسته از مباحث مربوط به احکام وجود است به عنوان مثال: بدیهی بودن مفهوم وجود؛ اشتراك معنوی وجود؛ مغایرت وجود و ماهیت؛ اصالت وجود. و یک دسته مباحث درباره وجود خداوند (واجب‌الوجود) بحث می‌کند. به دو قسم اول از مباحث، الهیات به معنی الاعم گفته می‌شود زیرا درباره خود وجود از آن جهت که وجود است بحث می‌شود و همه موجودات را شامل می‌شود. به قسم سوم الهیات به معنی الاخص گفته می‌شود زیرا درباره شکل خاصی از وجود که واجب‌الوجود است بحث می‌کند. بخشی از این مباحث ریشه در آرای فلاسفه یونان مانند افلاطون و ارسطو دارد اما قسمت عمده ای نیز از ابتکارات فیلسوفان مسلمان است.

در این کتاب از امکان استنباط مباحث قسم اول هستی‌شناسی یعنی الهیات به معنای اعم (وجود و اقسام و احکام آن) که در فلسفه اسلامی مطرح است، از متون دینی (قرآن و روایات) بحث می‌شود.

ویژگی‌های این کتاب از نظر ظاهری و محتوایی چه تفاوت‌هایی با دیگر کتاب‌های موجود در این زمینه دارد؟

کتاب هستی‌شناسی بر اساس استنباط از متون دینی از سه فصل تشکیل شده است. بخش نخست، کلیات نام دارد که مباحث روش‌شناسی را مطرح می‌کند و در حقیقت روشی برای استنباط مبانی هستی‌شناسی از متون دینی است. در بخش دوم مباحث به دو قسمت تقسیم می‌شود: مباحثی در رابطه با احکام وجود و مباحثی در رابطه با اقسام وجود است. در بخش احکام وجود،

مباحثی مثل: بداهت مفهوم وجود، مفهوم وجود و اصالت وجود، مورد بحث است. در بخش اقسام وجود نیز مباحثی مثل وجود رابط است یا مستقل؛ وجود ذهنی است یا خارجی؛ وجود علت است یا معلول؛ وجود حادث است یا قدیم؛ وجود قوه است یا فعل به بحث گذاشته شده است. تاکنون این‌گونه به مباحث هستی‌شناسی نگاه نشده است. ضمن این‌که تمام مباحث با استناد به آیات و روایات کار شده است.

هستی‌شناسی چیست و هدف از بیان این فلسفه کدام است؟

فلسفه، علم به احکام وجود است از آن جهت که وجود دارند نه از آن جهت که شکل خاصی دارند توضیح مطلب این‌که بین فلسفه و سایر علوم تفاوتی وجود دارد. در علوم مختلف موضوعات مشخص و روشن است. هر علمی مبحث خاص خود را دارد و از شکل خاصی از وجود بحث می‌کند، اما فلسفه این‌گونه نیست و شکل موجود برایش اهمیتی ندارد بلکه درخصوص خود وجود بحث می‌کند. در علوم نیاز به اثبات است اما در فلسفه این‌گونه نیست فقط احکامش مورد توجه و بررسی است. چپستی هستی‌شناسی از این جهت است که یک مفهوم عام وجود را در بر می‌گیرد در مقابل سایر علوم که موضوعشان جزئی است.

طبق گفته‌های شما مبنای فکری متفکران اسلامی درباره هستی‌شناسی از قرآن نشأت گرفته است. در این خصوص بیشتر توضیح دهید؟

آیات و روایات زیادی در قرآن وجود دارد که نشان از هستی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن» در جای دیگر می‌فرماید: «هو معکم اینما کنتم» هرجا باشید خداوند با شماست. این آیات و امثال آنها دلالت به معانی و مفاهیمی می‌کنند و نیازمند تفسیر است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که این آیات چگونه قابل تفسیر و تبیین است؟ مفسرین راهکارهایی برای تفسیر آیات ارائه کرده‌اند که با توجه به آنها می‌توان این آیات را تفسیر کرد و با توجه به تفسیری و تبیینی که از این آیات می‌شود می‌توان مباحث هستی‌شناسی را استنباط کرد که در اصطلاح «استنباط از راه بهترین تبیین» گفته می‌شود. به عبارت دیگر مفسرین با توجه به پیش‌فرض‌ها و معلومات خود تفسیرهای مختلفی از متون دینی کرده‌اند. به عنوان مثال تفاسیری که بر قرآن نوشته شده برخی کلامی، ادبی، عرفانی و یا روایی است یکی از تبیین‌هایی که می‌توان از متون دینی انجام داد مبتنی بر مباحث فلسفی است و بر این اساس می‌توان مباحث هستی‌شناسی را از متون دینی استنباط کرد.